

تبیین فرایند شکل‌گیری، تکوین و دگرگونی مناطق کلان‌شهری^۱

اسفندیار زبردست* – استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

خلیل حاجی‌پور – استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز

پذیرش مقاله: ۸۷/۱/۳۱ تأیید نهایی: ۸۸/۲/۲۳

چکیده

«مناطق کلان‌شهری» از پدیده‌های نوظهور قرن بیستم‌اند که در آغاز هزاره سوم میلادی به الگوی غالب شهرنشینی تبدیل شده‌اند. این مناطق کلان‌شهری که با مشخصه‌هایی جون دگرگونی در نقش و عملکرد، تحول در شکل و ساختار و تغییر معنا و مفهوم مواجه شده‌اند، تحت تأثیر نیروها و عوامل مختلف در طول زمان و بنا به مقتنيات مکانی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، سازوکار و فرایند خاصی را در شکل‌گیری و تکوین و دگرگونی شان طی کرده‌اند. مطالعه حاضر با استفاده از روش اسنادی و به کارگیری منابع و متون مختلف و با هدف شناخت فرایند شکل‌گیری و تکوین و دگرگونی مناطق کلان‌شهری صورت گرفته است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که این امر (شکل‌گیری، تکوین و دگرگونی) در مناطق کلان‌شهری محصول اندرکنش همزمان دو فرایند تمرکز‌زدایی است. گرایش تمرکزگرایی و تمرکز‌زدایی به پویشی در سازمان دهی فضایی کلان‌شهرها و مناطق کلان‌شهری منجر گردیده است که می‌توان آن را پویش همزمان پیوستگی و گسیختگی نام نهاد. در فرایند تمرکزگرایی، اساساً عملکردها و خدمات سطح برتر و جهانی در شهر مرکزی و هسته‌ها و مراکز اقتصادی شهر تمرکز می‌شوند؛ و در مقابل، طی فرایندی تمرکززدایی، بخشی از فعالیتها و خدمات و جمعیت وابسته به آنها به مراکز دیگر شهری در منطقه‌ای کلان‌شهری منتقل می‌گردند.

کلیدواژه‌ها: مناطق کلان‌شهری، فرایند کلان‌شهری شدن، پراکنده‌رویی، تمرکزگرایی، تمرکز‌زدایی.

مقدمه

در طول چند دهه اخیر و با آغاز عصر پسامدرن، مناطق کلان‌شهری به عنوان نوعی سکونتگاه جدید به الگوی غالب شهرنشینی در بیشتر کشورهای دنیا تبدیل شده‌اند. مناطق کلان‌شهری اگرچه نامشان برگرفته از کلان‌شهرهای^۲ اوایل

* E-mail: Zebardst@ut.ac.ir

۰۲۱-۶۶۴۱۸۸۹۹

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه دکتر خلیل حاجی‌پور، با عنوان «تبیین فرایند شکل‌گیری و دگرگونی مناطق کلان‌شهری» است که به راهنمایی دکتر اسفندیار زبردست در دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران انجام شده است.
۲. در زبان فارسی برابر نهاده‌های متعددی برای این مفهوم به کار گرفته شده است که از آن جمله می‌توان به مادرشهر (ساروخانی، ۱۳۶۶؛ سیف‌الدینی، ۱۳۷۸)، گران‌شهر (مزینی، ۱۳۷۲)، مام‌شهر و بزرگ‌شهر (آشوری، ۱۳۷۶) اشاره کرد؛ اما به نظر می‌رسد «کلان‌شهر» مفهومی است که در حوزه متون حرفه‌ای و پژوهشی شهری اقبال بیشتری یافته و مورد توجه قرار گرفته است.

قرن بیستم است، اما اینها تفاوت‌های بنیادینی با نمونه‌های پیشین دارند. این مناطق کلان‌شهری جدید، شکل تازه‌ای از شهرنشینی‌اند که نه تنها به لحاظ مقیاس بزرگ‌تر از مجموعه‌های پیشین هستند و با تمرکز زدایی بیشتری همراه‌اند بلکه به لحاظ کیفی نیز انواع مختلفی از سیستم‌ها را شامل می‌شوند. این اشکال جدید شهری منعکس کننده پویایی‌های ساختاری بنیادینی هستند که جغرافیای مناطق شهری را - که قرار بر مدیریت آن است - دگرگون ساخته‌اند (Bourne, 1999, 8).

پس از دو دهه امید به اینکه تمرکز زدایی و سیاست‌های توسعه روستایی توانایی کاهش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی و اقتصادی در مناطق و کشورها را دارند و فضایی متعادل‌تر و متوازن‌تر را به ارمغان خواهند آورد، اکنون شهرها به طور اعم، و کلان‌شهرها به طور اخص، به حوزه نظر و عمل بازگشته‌اند و شهرهای بزرگ مجدداً به عنوان مرکز فرماندهی و موتورهای اصلی رشد و توسعه اقتصادی مدنظر قرار گرفته‌اند (Kunzmann, 1998, 37). گرایش‌ها و روندهای کلان در سطح توسعه همچون شتاب و مقیاس گستردگی تغییرات در بستر کنونی به صورت جهانی شدن، اقتصاد و توسعه فناوری‌های جدید روز، بنا به ماهیت‌شان فضای کلان‌شهری را ترجیح می‌دهند؛ و بدین ترتیب رقابت توسعه‌های ملی در چارچوب مناطق کلان‌شهری عمده کشورها خلاصه و متمرکز شده است (صرافی، ۱۳۷۸).

اگر تا پیش از این سیاست تمرکز زدایی از پاریس و لندن و دیگر کلان‌شهرهای بزرگ اروپایی به منظور آمایش و تنظیم و تنسيق فضای سرزمین و تعادل شبکه شهری مورد توجه بود، امروزه نه تداوم این سیاست‌ها بلکه حتی در مقابل، تقویت آنها و تأکید بر جایگاه و نقش کلان‌شهرهای ملی این کشورها به منظور ایفای نقشی فعال در فرایند «جهانی شدن» در نظر گرفته شده است و هریک از کلان‌شهرها مجدانه به دنبال نقش و سهم جهانی گستردگی و درخور توجه‌تری هستند.

با این وصف، کلان‌شهرها و مناطق کلان‌شهری را دیگر نمی‌توان با طرز تلقی و بری^۱ از آنها، هویت‌هایی اجتماعی و سیاسی - از لحاظ سرزمین، یکپارچه - انگاشت. این مناطقی گاه تک‌هسته‌ای^۲ و گاه چند‌هسته‌ای^۳، مخلوق محرك‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن هستند که با سیستم‌های ارتباطی نیرومند و حمل و نقل انبوی به هم مرتبط شده‌اند.

در کشورهای در حال توسعه، روند فزاینده شهرنشینی موجب شکل‌گیری و گسترش این مناطق شده است و در این میان عمدتاً زیان‌ها و کاستی‌های آن متوجه کلان‌شهرهای این کشورها بوده، و بدین ترتیب از فواید و خطرات‌های بالقوه آن بهره چندانی برده نشده است.^۴ به نظر می‌رسد که بسیاری از چالش‌های فراروی کلان‌شهرها در کشورهای در حال توسعه ناشی از فقدان جامع‌نگری و توجه صرف به مسائل موجود در محدوده «کلان‌شهری» بوده است و نه در گستره «منطقه کلان‌شهری»؛ از این‌رو تبیین فرایند شکل‌گیری، تکوین و دگرگونی پدیده و شناخت نیروها و عوامل اثرگذار بر

1. Weber

2. Mono-centric

3. Poly-centric

4. برای دیدن اطلاعات تفصیلی‌تر در اینباره و رویکردهای مختلف به کلان‌شهر و مناطق کلان‌شهری، ن.ک. صرافی، ۱۳۷۸

تحول و دگرگونی مناطق کلان شهری به شناخت هرچه بیشتر پدیده منجر خواهد شد و در نحوه مواجهه و برخورد با ابعاد و مسائل مختلف برنامه‌ریزی و مدیریت در این مناطق تأثیر خواهد گذاشت.

اگرچه پدیده کلان شهر در نتیجه قانونمندی‌های گریزناپذیر اقتصادی و فضایی در مقیاس جهانی شکل گرفته است و به روند تکاملی خود ادامه می‌دهد، اما ضعف پژوهش‌ها و مطالعات راهبردی در مقیاس منطقه کلان شهری و فقدان نگرش‌های واقع‌بینانه و عدم شناخت و دانش کافی در خصوص ماهیت آن، موجب مسکوت ماندن نهادسازی و تدارک لازم برای مواجهه با این پدیده شده است. از آنجا که بدون شناخت روند و نحوه بروز و ظهور پدیده‌ها و مشکلات موجود نمی‌توان به ارائه راه حل‌های واقعی و کاربردی دست یافت، از این رو شناخت فرایند شکل‌گیری و تکوین و دگرگونی، و تبیین سازوکار شکل‌گیری و تحول مناطق کلان شهری می‌تواند ضمن عمق دادن به حوزه شناخت فکری و تحلیل عمیق‌تر مسائل، به عنوان بستر و زمینه‌ای برای پژوهش‌های آتی و تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ راهبردهای مناسب و مقتضی در مناطق کلان شهری کشور تلقی گردد.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت، گستره و دامنه موضوع مورد مطالعه، روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه، بررسی اسنادی است. با استفاده از مطالعات اسنادی و مرور متون مرتبط با موضوع، اطلاعات و شواهد و نظریات ذیربط در این زمینه گردآوری، تجزیه و تحلیل و سپس جمع‌بندی شده و در انتهای نیز کوشش گردیده است که با استفاده از مجموع بررسی‌های صورت‌گرفته، فرایند شکل‌گیری و دگرگونی ابعاد فضایی الگوهای اسکان به طور عام، و مناطق کلان شهری به طور خاص، تبیین شود.

مفهوم فرایند کلان شهری شدن / کلان شهر گرایی

سال‌های زیادی بود که جغرافی دانان شهری در تلاش برای یافتن چارچوبی مفهومی برای تبیین این واقعیت در مکان‌هایی بودند که ساکنان آنها در جاهایی خارج از مرزهای سیاسی – اداری شهرشان سکونت می‌یافتدند، چرا که به اعتقاد برخی از محققان طبقه‌بندی ساده «شهر مرکزی» و «حومه» منسخ شده است و با آن می‌توان به تبیین واقعیت‌های فضایی شهر امروزین پرداخت و به نظر می‌رسد که مفهوم «کلان شهری»، برگرفته از شکل شهر صنعتی قرن بیستم، پاسخی برای این پرسش باشد (Montgomery et al., 2003, 481).

کلان شهری شدن پدیده‌ای است جدید که بر شبکه سکونتگاهی در مقیاس ملی تأثیر می‌گذارد و عموماً در شهرهای غیرکلان شهری، که در مسیر تبدیل شدن به کلان شهر گام بر می‌دارند، اتفاق می‌افتد. این فرایند در واقع پاسخی است به تغییرات اقتصاد پساصنعتی که خود به قطبی شدن و تأثیرات بیشتر کلان شهر می‌انجامد. «بوردولوپاژ^۱» تمرکز عملکردهای کلان شهری، سازمان‌دهی فضایی این عملکردها در شهر و شدت و دامنه کنش دوسویه شهر و پیرامون آن

1. Bourdeau-Lepage

را از مشخصه‌های فرایند یاد شده برمی‌شمارد و تجدید ساختار فضایی و اقتصادی ای را که به وسیله فرایند کلان‌شهری شدن تحمیل شده است، به عنوان مشخصه اصلی کشورهای صنعتی غرب ذکر می‌کند (Bourdeau-Lepage, 2002). برخی از محققان، مفهوم کلان‌شهری شدن را فراتر از مفهوم ساده رشد شهری می‌دانند. این درواقع فرایندی است که در نتیجه آن تمرکز فعالیتها، جمعیت، عملکردها و جریان‌ها اتفاق می‌افتد و با قطبی شدن اجتماعی و پراکنده‌گی فضایی همراه است (زیردست، ۱۳۸۴، به نقل از 253, 2003, Gaussier et al.). بوردو لوپاژ و هاریوت اگرچه به نقش مهم فناوری‌ها و نهادها در توسعه فرایند کلان‌شهری شدن اشاره می‌کنند اما قبل از هر چیز آن را به عنوان فرایندی اقتصادی مورد ملاحظه قرار می‌دهند که حاصل‌کشی دوسویه و تغییرات اقتصادی و نهادی و فناورانه است (Bourdeau-Lepage and Huriot, 2004, 1).

برخی دیگر نیز تعریف این مفهوم را به گونه‌ای مرتبط با نظام شهری مطرح ساخته‌اند. بر این اساس، کلان‌شهری شدن عبارت است از فرایند حرکت و یا جداول برای داشتن مکانی برجسته در سلسله‌مراتب نظام شهری و منطقه‌ای. این فرایند فراتر از رشد و گسترش کمی شهرنشینی در مفهوم کلاسیک آن است، و درواقع تمرکز کیفی عملکردهایی است که کلان‌شهر را به کانون رقابت با دیگر مراکز، به منظور تقویت و تحکیم جایگاه آن، تبدیل می‌کند (Sykora, 1996).

نظریه‌ها و الگوهای تبیین‌کننده فرایند و مراحل رشد و توسعه کلان‌شهری

در زمینه تحولات الگوی اسکان و شهرنشینی در کشورهای توسعه‌یافته به تبع تحولات و دگرگونی‌های اقتصادی، نظریه‌ها و الگوهای نظری مختلف مطرح شده است که از آن جمله می‌توان به منحنی (S) که دیویس^۱ در اوخر دهه ۱۹۶۰ عنوان کرد، مدل مراحل توسعه شهری جان شورت^۲ (۱۹۹۶)، چرخه شهرگرایی کلاسن^۳ (۱۹۸۱)، و همچنین الگوی برگ^۴ و دیگران (۱۹۸۲) اشاره کرد. براساس الگو یا مدل دیویس، یعنی منحنی (S) یا لوزستیک که به منحنی شهرنشینی نیز معروف شده است، پویش شهرنشینی در جهان توسعه‌یافته به سه مرحله مشخص تقسیم می‌گردد:

(۱) مراحل اولیه رشد که در آن نرخ (درصد) شهرنشینی و سطح آن اندک است (کمتر از ۲۵ درصد) و در ساختار اقتصادی غلبه بر بخش کشاورزی است؛ (۲) مرحله شتاب رشد که در آن مهاجرت از روستا به شهر موجب افزایش جمعیت شهری می‌گردد و با دگرگونی در ترکیب فعالیت‌های اقتصادی و غلبه بخش‌های دوم و سوم، سهم جمعیت شهری از کل جمعیت به ۶۰ تا ۷۰ درصد می‌سد؛ و (۳) مرحله بلوغ رشد که به تدریج با کاهش نرخ رشد جمعیت شهری، شکل منحنی رو به نزول می‌گذارد و پدیده «شهرگریزی» بهویژه در کلان‌شهرهای بزرگ آشکار می‌شود. در این مرحله، که با افول صنعت و اشتغال صنعتی همراه است، فعالیت‌های بخش سوم و چهارم اقتصاد اهمیت می‌باشد (فالاحیان، ۱۳۸۴، ۶۵).

شهرنشینی را در ساده‌ترین حالت آن می‌توان به فرایند تمرکز جمعیت تعریف کرد، که پیامد اصلی این وضعیت

1. Davis
2. John Short
3. Klaassen
4. Berg et al.

افزایش سهم جمعیت ساکن در نقاط شهری است. در همین باره، شهرگریزی در نگاه اغلب محققان - و از جمله بنیان‌گذار این مفهوم (بری ۱۹۷۶) - جریان مقابل (آن‌تی‌تر) شهرنشینی محسوب می‌شود که نمایانگر تمرکزدایی جمعیت است؛ گو اینکه فرایند یاد شده به ندرت موجب کاهش سهم جمعیت شهری گشته است و بیشتر به عنوان فرایندی ملاحظه شده که موجب توزیع مجدد جمعیت از مراکز شهری بزرگ به مراکز شهری کوچک‌تر شده است، و یا اینکه به گسترش بیرونی مراکز شهری منفرد در حومه‌های اطراف آن دامن زده است (Pacione, 1999, 347).

کلاسن و دیگران در مدل مشهور به چرخه شهرنشینی^۱، که در دهه ۸۰ به منظور مطالعه الگوهای توسعه شهری در انبوهه‌های شهری منفرد به کار گرفته شد، چهار مرحله توسعه شهری را تمثیل کرده‌اند که عبارت‌انداز (Pacione, 20002, 83-87).

الف) شهرنشینی^۲: دوره‌ای که رشد سکونتگاه مشخصی در مقایسه با حومه پیرامونی آن، ارجحیت دارد.

ب) حومه شهرنشینی^۳ یا برون‌شهرنشینی^۴: دوره‌ای که در آن رشد حومه بر رشد هسته مرکزی شهر (ناحیه ساخته شده) تفوق می‌یابد.

پ) شهرگریزی^۵ یا شهرنشینی معکوس^۶: دوره‌ای که جمعیت کاسته شده از مرکز و هسته شهری بیش از جمعیتی است که در حاشیه و پیرامون استقرار می‌یابد، و نتیجه آن کاهش جمعیت کلی انبوهه شهری است.

ت) شهرنشینی مجدد^۷: هنگامی که کاهش نرخ رشد جمعیت مرکز یا هسته به تدریج متوقف می‌شود و بخشی از جمعیت حومه (پیرامون) به هسته شهری بازمی‌گردد. در این دوره میزان رشد مرکز، مجدداً بر حومه برتری می‌یابد. در سال ۱۹۸۲، برگ و همکارش در تحلیلی مشابه، تغییرات الگوی شهرنشینی در کشورهای توسعه‌یافته را مورد بررسی قرار دادند. این مدل بر مبنای تغییرات جمعیت در مرکز و حاشیه شهرها بنا شده است. این دو واحد فضایی در مجموع، سامانه شهری واحد و روزانه‌ای را شکل می‌دهند که تغییرات جمعیتی در این سامانه یکپارچه که با یکدیگر میان‌کنش فضایی دارند، به دو صورت انجام می‌پذیرد:

الف) تغییرات رشد جمعیت در جهت عکس یکدیگر باشد. به عنوان مثال، اگر مرکز در حال رشد و حاشیه در حال کاهش باشد، در آن صورت این تغییرات در مدل مطلق انگاشته شده است.

ب) اگر تغییرات جمعیت در مرکز و حاشیه همسو و یکسان باشند (هر دو در حال کاهش یا افزایش باشند) ولی میزان تغییرات هر کدام متفاوت باشد، در آن صورت این تغییرات در مدل نسبی نامیده شده است. در جدول ۱ مراحل توسعه شهری در چارچوب دو فرایند عمده تمرکز و عدم تمرکز همراه با ویژگی‌های تغییرات جمعیتی در سه بخش شهر

1. Cycle of Urbanization
2. Urbanization
3. Suburbanization
4. Exurbanization
5. Disurbanization
6. Counter Urbanization
7. Reurbanization

مرکزی، منطقه پیرامونی و نظام شهری روزانه^۱ نشان داده شده است. ملاحظه می‌شود که در فرایند توسعه شهری در مناطق کلان‌شهری، دو مرحله اول (شهرنشینی و حومه شهرنشینی) در مجموع تحت تأثیر نیروهای مایل به مرکز به تمرکز جمعیت و فعالیت منجر می‌شود و در مراحل بعدی (شهرگریزی و شهرنشینی مجدد) تحت تأثیر نیروهای گریز از مرکز به تمرکز زدایی جمعیت و فعالیت در گستره منطقه کلان‌شهری می‌انجامد.

جدول ۱. تغییرات و مراحل توسعه شهری در مناطق کلان‌شهری

فرایند کلی تغییرات جمعیت	ویژگی‌های تغییرات جمعیت			نوع طبقه‌بندی	مراحل توسعه
	نظام شهری روزانه	پیرامون	شهر مرکزی		
تمرکز	+	-	++	تمرکزگرایی مطلق	شهرنشینی
	+++	+	++	تمرکزگرایی نسبی	
	+++	++	+	تمرکز زدایی مطلق	حومه‌شهرنشینی
	+	++	-	تمرکز زدایی نسبی	
عدم تمرکز	-	+	--	تمرکز زدایی مطلق	شهرگریزی
	---	-	--	تمرکز زدایی نسبی	
	---	--	-	تمرکزگرایی نسبی	شهرنشینی
	-	--	+	تمرکزگرایی مطلق	

منبع: Clark, 2003, 63

الیوت و پری در مطالعه‌ای، فرایند کلان‌شهری شدن و ارتباط آن با مهاجرت را مورد بررسی قرار داده‌اند، به اعتقاد آنها زمانی که جامعه‌ای به مرحله پیشرفتۀ فرایند کلان‌شهری شدن می‌رسد، تحولات نظام اسکان را در آن از دو طریق می‌توان ردیابی کرد: نخست، مسیری که در آن جمعیت به طور متوالی در نواحی کلان‌شهری متتمرکز شده و منطق با الگوهای سنتی تجمعات شهری است؛ دوم وضعیتی که پراکندگی جمعیت کلان‌شهری در مراکز متعدد و کوچک‌تری در پهنۀ سرزمین اتفاق می‌افتد. با توجه به موضوع ظهور مناطق کلان‌شهری، حالت نخستین را می‌توان به عنوان «فرضیه تمرکز»^۲ و حالت دوم را با عنوان «فرضیه پراکنش»^۳ بررسی کرد.

در فرضیه تمرکز، که خاستگاه آن نظریه سنتی مکان مرکزی کریستال است، چنین فرض می‌شود که توسعه کلان‌شهری با تمرکز جمعیت در هسته‌ای شهری آغاز می‌شود و به نواحی پیرامونی گسترش می‌یابد. در این فرایند تمرکز جمعیت چنین فرض شده است که به علت وجود مزايا و صرفه‌های ناشی از تجمع، بازگانی و سوداگری رونق می‌یابد و فرصت‌های اشتغال بیشتر و دسترسی آسان‌تر به کالاهای خدمات متنوع تر برای جمعیت فراهم می‌شود. با پیشرفت در فناوری و تنوع تقسیم کار و همچنین کاهش هزینه‌های حمل و نقل و کمزنگ شدن صرفه‌های ناشی از

1. Daily Urban System (DUS)
2. Concentration Hypothesis
3. Dispersion Hypothesis

تجمع، جمعیت و فعالیت در نواحی پیرامونی کلان‌شهر گسترش می‌یابد و این خود به یکپارچگی اقتصادی اجتماعی هسته‌های جمعیتی پیرامون با شهر اصلی منجر می‌شود. حال، ظهور شهرها در دوره‌های زمانی مختلف و تجربیات تمرکز و گسترش متفاوت، منجر به شکل‌گیری سلسله‌مراتب شهری و ظهور پدیده نخست‌شهری خواهد شد. الگوی غالب مهاجرت در این وضعیت مهاجرت، روستاشهری و یا مهاجرت از مراکز کوچک‌تر به مراکز بزرگ‌تر در سلسله‌مراتب شهری است.

فرضیه پراکنش یا انتشار در مقابل فرضیه تمرکز قرار دارد، که حرکت جمعیت از سطوح برتر سلسله‌مراتب شهری به شهرهای پایین‌تر است. در دهه ۱۹۸۰ فرضیه مذکور در برخی از مطالعات نیز تأیید شده است. در بررسی‌های واردول^۱ در ایالات متحده، پدیده مهاجرت از نواحی کلان‌شهری به غیرکلان‌شهری نشان داده شده است، که امروزه با عنوان «مهاجرت معکوس»^۲ از آن نام برده می‌شود. به عقیده واردول، مهاجرت معکوس نمایانگر دوره جدیدی از سازمان اجتماعی در جوامع صنعتی پیشرفت‌هاست. وی چنین استدلال می‌کند که در نتیجه پیشرفت‌ها و تحولات در فناوری و ارتباطات، مکان و فضا ارزش و اهمیتشان را در سازمان‌دهی فضایی از دست داده‌اند و جمعیت و فعالیت‌ها بدون متحمل شدن هزینه‌های تولید بیشتر و یا کاهش درآمدها در نواحی کم‌تراکم اسکان می‌یابند (Elliott and Perry, 1996, 3-5).

گیلبرت نیز در مطالعه‌ای درخصوص کلان‌شهرهای بزرگ امریکای لاتین، پدیده «برگشت تمرکز» در اغلب کشورهای امریکای لاتین را گزارش داده است. به اعتقاد گیلبرت، درحالی که شهرهای اصلی در این کشورها به رشد خود ادامه می‌دهند و به علت مهاجرت و افزایش طبیعی جمعیت زیادی به جمعیت شهری افزوده می‌شود، اما با این حال نشانه‌های روشی از کاهش در آهنگ کلی رشد کلان‌شهری به چشم می‌خورد. به اعتقاد وی علت این کاهش را بایستی در «تأثیر پراکنش اشتغال در مناطق کلان‌شهری» جست‌وجو کرد و به‌طور حتم این واقعیت بخشی از فرایند کلان‌شهری شدن است (McGee, 1998, 484).

پیتر هال، در تحلیلی مشابه و در پاسخ به این پرسش که «رشد ابرشهرها و نخست‌شهرهای بزرگ بیانگر توسعه‌ای مثبت است یا مسئله‌ای بزرگ»^۳ چنین پاسخ می‌دهد که احتمالاً هر دو. به باور وی، رشد ابرشهرها از منطقی تبعیت می‌کند که می‌توان آن را سازوکار «خودتعادل‌بخشی»^۴ نامید. زمانی که جمعیت شهری به ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر افزایش پیدا می‌کند، مراکز فرعی مهمی توسعه می‌یابند و فرایند تمرکززدایی از سکونت و اشتغال آغاز می‌گردد (Hall, 1998, 1377).

برخی از محققان نیز فرایند تمرکز و پراکنش و شکل‌گیری کلان‌شهر و مناطق کلان‌شهری را برآیند پویش دو دسته از نیروهای مایل به مرکز یا مرکزگرا^۵ و نیروهای گریز از مرکز^۶ می‌دانند (سعیدنیا، ۱۳۷۷؛ Krugman, 1998؛ Glaeser, 1998؛ Dixon et al. 2002).

1. Wardwell

2. Migration Turnaround

3. Self-Equilibrating

4. Centripetal

5. Centrifugal

جداییت در نواحی مرکزی شهری یا پیرامونی، نقش عمدہ‌ای دارند. خوشی‌ای شدن یا تجمع فعالیت‌ها در یک مکان و یا پراکنش و پخشایش آنها، محصول تعامل میان نیروهای مرکزگرایی است که موجب تشویق و ترغیب بنگاه‌های اقتصادی و فعالیت‌ها برای مکان‌گزینی در مجاورت یکدیگر و یا نیروهای مرکزگریزی که منجر به پراکنش فعالیت‌ها از هم‌دیگر می‌شود. عمدترين نیروهای اثرگذار در تمرکز جغرافیایی، اينها هستند:

- نیروهای مایل به مرکز
 - تأثیرات اندازه بازار (پیوندها)
 - مزیت‌های مکانی و بازار کار گستردگی
 - صرفهای برون‌داد
 - برگشت افزایشی به مقیاس و افزایش بهره‌وری
- در مقابل، اصلی‌ترین نیروهای اثرگذار در گسیختگی و پراکنش فضایی فعالیت‌ها و عملکردها عبارت‌اند از:
- نیروهای مرکزگریز
 - فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)
 - نوآوری‌های حمل و نقل و ارتباطات
 - اجاره‌های زمین
 - عدم صرفهای برون‌داد

فرایند شکل‌گیری و تحول سازمان فضایی مناطق کلان‌شهری

حاصل تعامل نیروهای محرك جهانی و عوامل اقتصادی محلی، شماری از فرایندهای مختلف و مراحل گذار از شهر به منطقه کلان‌شهری را موجب شده است. وجود نیروهای اقتصادی و اجتماعی جهانی که سامانه‌های کلان‌شهری کشورهای پیشرفته را طی چند دهه اخیر تحت تأثیر قرار داده‌اند، به تغییری کلی و روشن در سازمان‌یابی فضایی مناطق کلان‌شهری انجامیده که همانا تمرکزدایی جمعیت و اشتغال از کلان‌شهر مرکزی است.

در همین زمینه جان شورت الگوی تغییر سامانه‌های شهری و سازمان‌یابی فضایی مناطق کلان‌شهری را در سه مرحله تبیین و تصویر کرده است (شکویی، ۱۳۷۹، ۳۴۷):

مرحله اول) مکان‌یابی مشاغل و جمعیت در شهرهای بزرگ و رشد مادرشهر؛

مرحله دوم) حومه‌نشینی و استقرار فرصت‌های اشتغال در حومه‌ها، تداوم مهاجرت روستایی به مادرشهر؛ و

مرحله سوم) حومه‌نشینی جمعیت و فرصت‌های اشتغال، تشدید و ترجیح مرکزیت مادرشهر برای کارکردهای خدماتی بهجای صنعت، و رشد شهرک‌ها و شهرهای ویژه.

ناکس و پینچ نیز در خصوص فرایند تحولات و دگرگونی‌ها در ریخت‌شناسی شهر معاصر سه دوره را از یکدیگر متمایز می‌کنند (Knox and Pinch, 2004, 209-210):

الف) دوره اول شهر اوایل قرن بیستم است که عناصر عمدۀ ریخت شهرها عبارت‌اند از یک شهر مرکزی و ناحیه

تجاری مرکزی (CBD) که جمعیت به طور فشرده‌ای در حول این مرکز اسکان پیدا کرده‌اند، به همراه یک هاله شهری^۱ پیرامونی.

(ب) در دوره دوم که دوره پس از جنگ جهانی دوم است، تأثیر اتومبیل بر شکل شهر مشخص شده است؛ اما شهر این دوره کماکان شهری تک‌مرکزی با یک مرکز تجاری قدیمی و مناطق مسکونی در اطراف آن و همچنین ظهور هسته‌های جمعیتی در حومه شهر است.

(ج) دوره سوم از سال ۱۹۷۰ به بعد آغاز می‌گردد و نواحی کلان‌شهری چندمرکزی شکل می‌گیرند. گسترش هسته‌های جمعیتی و شهرک‌های اقماری در پیرامون شهر اصلی و دست‌اندازی توسعه شهری به نواحی پیرامونی از مشخصه‌های این دوره است (ن.ک. شکل ۱).



شکل ۱. تغییرات ریخت‌شناسی شهر

منبع: Knox and Pinch, 2004, 209

این تغییرات محصول مجموعه‌ای از علل و عوامل است که در بستری از تحولات فنی و اجتماعی شکل گرفته و موجب کاهش اهمیت مجاورت‌های مکانی و صرفه‌های برونو داد (صرفه‌های ناشی از تجمیع) در مکان‌گزینی فعالیت‌ها در کلان‌شهرها شده و به پراکنش و برونو فکنی جمعیت و فعالیت از شهر مرکزی و استقرار هاله شهری پیرامونی، و فراتر از آن در گستره منطقه کلان‌شهری، منجر گردیده است. نوآوری‌های فناوری در زمینه ارتباطات، چشم‌انداز تازه‌ای به سمت جداسازی فیزیکی فعالیت‌های پیوسته عرضه کرده است و تأثیرات آنها در محیط‌های کلان‌شهری – که زیرساخت‌های لازم را برای این فناوری‌ها در خود دارند – بیش از سایر نواحی آشکار شده است.

۱. Urban Fringe: هاله شهری، هاله پیراشه‌ری، هاله روستاشه‌ری و هاله کلان‌شهری از جمله مفاهیمی هستند که «برخوردارگاه شهر - روستا» را تبیین و توصیف می‌کنند. اصطلاح هاله شهری برای نخستین بار در سال ۱۹۳۷ به وسیله چرافی‌دانی امریکایی به نام اسمیت در مطالعه‌ای درخصوص تغییرات ترکیب جمعیتی در ایالت لوییزیانا به کار گرفته شد. اسمیت، هاله شهری را این‌گونه تعریف کرد: «هاله شهری به ناحیه ساخته شده در خارج از محدوده‌های معمول شهر دلالت دارد» (Pryor, 1968, 202). این مفهوم در دهه ۱۹۴۰ و ۵۰ به طور گستره‌های در متون دانشگاهی به ناحیه‌ای اطلاق شد که در آن رشد حومه شهری اتفاق افتاده و استفاده‌های شهری و روستایی از زمین با هم درآمیخته و موجب شکل‌گیری «زون گذار» بین شهر و حومه شده است (Adell, 1999, 8).

آناس و همکاران نیز در پژوهشی برجسته در زمینه ساختار فضایی شهرها، چنین عنوان می‌کنند که شهرها بیش از دو قرن است که در فرایند تمرکزگرایی مستمری گام برداشته‌اند که محصول آن شکل‌گیری کلان‌شهرهای تک‌مرکزی بوده است. اما در دهه‌های اخیر، دگرگونی در روابط اقتصادی درون و میان شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و همچنین ظهور فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید، منجر به شکل‌گیری یک فرم پویا و چندمرکزی، تمرکز اشتغال در مراکز فرعی و احیای بخش‌های مرکزی شهرها (CBD) شده است (Anas and et al., 1998).

پیتر هال نیز صریحاً اظهار می‌کند که پژوهش‌های متاثر از الگوی شهری تک‌مرکزی که برآمده از نظریه‌های اقتصادی و مکانی اوایل قرن بیستم‌اند در تحلیل شرایط و اهمیت تحولات کلان‌شهری عصر جدید که با موضوعاتی چون شهر اطلاعاتی، شهر چندمرکزی، خدماتی و جهانی شده همراه گشته‌اند، ناکارآمد و استفاده‌ناشدنی‌اند (به نقل از Audirac, 2004, 3).

حومه‌شهرنشینی^۱، فرایند تغییر شهرنشینی و شکل‌گیری مناطق کلان‌شهری

تحول و دگرگونی در چشم‌اندازهای شهری کلان‌شهرها در جهان توسعه یافته و در حال توسعه در نیمه دوم قرن بیستم، موضوعی است که توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است. جمعیت در گسترهای فراختر از پیش و در نواحی پیرامونی شهرهای بزرگ پخش گردید، به طوری که فضاهای روستایی به گونه‌ای دوباره‌سازی شدند که مساکن تک‌خانواری، مجتمع‌های اداری، مراکز خرید و کریدورهای بزرگراهی را در خود جای دهند. الگوهای متغیر سکونت در پیرامون کلان‌شهرها، سرآغاز شکل‌گیری واژه‌ها و مفاهیم جدیدی گشتند که Outer city, edge cities, exurbs, Tehcnoburbs, suburbs و فهرست بربخی از آن واژه‌ها هستند. البته این دگرگونی به قاره امریکای شمالی محدود نشد؛ اروپا، امریکای جنوبی، استرالیا و بخش‌هایی از آسیا در حال تمرکزدایی هستند و عمیقاً از این گرایش افراطی به مصرف زمین تأثیر پذیرفته‌اند (Savitch & Vogel, 2000).

رابرت فیشمن^۲ (۱۹۸۷)، مؤلف کتاب «آرمان شهر بورزو»: ظهور و افول حومه‌شهرها» ضمن تحلیل چگونگی ظهور حومه‌شهرنشینی در کشورهای اروپایی و ایالات متحده امریکا، توسعه شهری در دوره پس از جنگ دوم جهانی را پدیده‌ای فراتر از حومه شهرنشینی ساده برمی‌شمرد و با ذکر مشخصه‌ها و ویژگی‌های حومه شهرهای جدید، آنها را به عنوان گونه جدید شهری دسته‌بندی می‌کند که ساختار کلان‌شهر جدیدی را فراهم می‌آورند. فیشمن چنین استدلال می‌کند که «این گونه‌های جدید شهری در پیرامون و حول همه مراکز شهری عملده شکل گرفته‌اند و واژه و مفهومی متدال برای نام‌گذاری بر آنها وجود ندارد. برخی‌ها واژه Exurbia یا Outer City را به کار برده‌اند، من دو واژه جدید Technocity و Technobourb را پیشنهاد می‌کنم و این مفاهیم را به معنی منطقه‌پیرامونی می‌دانم که در یک واحد اقتصادی اجتماعی سرزنده در امتداد کریدورهای بزرگراهی گستردۀ شده‌اند و شامل مراکز خرید، پارک‌های صنعتی،

1. Suburbanization

2. Robert Fishman

پردیس‌ها و مجتمع‌های اداری، دانشگاهی و بیمارستانی هستند...». وی این مناطق جدید پیرامونی را دارای هویت و عملکرد مستقل می‌داند که ساکنان آنها برای تأمین نیازهای شان بیش از آنکه به شهر مرکزی وابسته باشند، به منطقهٔ بالافصل پیرامونی رجوع می‌کنند (Fishman, 2003, 78).

دونالد روتبلاط^۱ نیز در پژوهشی تطبیقی که در مورد سامانه‌های کلان شهری کانادا و ایالات متحده امریکا انجام داده است، به این نتیجه رسید که هریک از نواحی کلان شهری مورد مطالعه، تمرکزدایی اساسی جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی و نیز نفوذ سیاسی مرکز بر پیرامون را به انجام رسانده‌اند. حتی شهرمنطقه‌هایی که دارای اشکال پیشرفتهٔ حکمرانی کلان شهری بوده‌اند، مانند منطقهٔ شهری تورنتو در کانادا و مینیاپویس در ایالات متحده، در کنترل و تحديد این گونه از رشد شتابان، ناتوان بوده‌اند. بررسی توسعه‌های چنددههٔ اخیر در مناطق شهری بزرگ در سرتاسر کانادا، امریکا، اروپای غربی و ژاپن، وجود این الگوهای تمرکزدایی را به روشنی مستند می‌سازد (Rothblatt, 1993).

بسیاری از پژوهشگران نظامهای شهری در جهان صنعتی، بر وقوع برخی از گونه‌های تکاملی فرایند توسعه در مناطق کلان شهری اتفاق نظر دارند (Rothblatt & Garr, 1986; Dwyer, 1987; Alonso, 1991; Van den Berg, 1993; Elliot, 1997). بر مبنای نظریهٔ آنها، گام‌های اولیهٔ توسعهٔ پیرامونی تنها در تعداد اندکی از نواحی رشد مطلوب برداشته می‌شود که سرمایه‌گذاری‌ها، جمعیت و منابع را به خود جذب می‌کنند تا از اقتصاد تجمع که برای بهبود کارایی در تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات مفید است بهره‌برداری کند (به نقل از Rothblatt, 1993).

گام اول نشان‌دهندهٔ تمرکز^۲ است که از طریق اثر قطبیش^۳ حاصل می‌شود. در این مرحله، رشدِ مراکز شهری بزرگ، جمعیت، منابع و سرمایه‌گذاری‌ها را از فضای ملی به سوی خود زهکشی می‌کند و درنهایت به نوعی اثر رخنه به پایین^۴ توسعهٔ منتهی می‌شود. در این مرحله، فرایند تمرکزگرایی به پیوستگی و همگرایی جمعیت و فعالیت در درون محدوده‌های شهری می‌انجامد، که برآیند آن شکل‌گیری کلان شهر و انبوهه‌های شهری متمرکز است (شکل ۲).

عدم صرفه‌های ناشی از مقیاس^۵ در کلان شهرها و انبوهه‌های شهری بزرگ (مانند ازدحام ترافیک، شلوغی، هزینه‌های سرسام‌آور زمین، آلودگی زیاد و غیره) و نیز وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید در دیگر نواحی همراه با سیاست‌گذاری‌های حکومت برای هدایت دوباره رشد اقتصادی به دور از نواحی بهشت توسعه‌یافته، بر تأثیرات قطبی شدن پیشی می‌گیرد و موجب آغاز فرایند تمرکزدایی^۶ در آن می‌گردد. در این مرحله، فرایند تمرکزدایی به واگرایی بخش‌هایی از جمعیت و عملکردهای مرتبط در گستره‌ای وسیع‌تر می‌انجامد و از نظر فضایی موجب دگرگونی کلان شهرها و انبوهه‌های شهری متمرکز می‌شود و کلان شهرهای گستره و چندمرکزی شکل می‌گیرند (شکل ۲). یافته‌های پیتر گوردن و همکاران نیز این واقعیت را تأیید می‌کند که فرایند تمرکزدایی به ایجاد ساختار

1. Donald Rothblatt

2. Concentration

3. Polarization Effect

4. Trickle Down Effect

5. Diseconomy of Scale

6. Decentralization

کلان‌شهری چندهسته‌ای^۱ می‌انجامد که رو به پراکنش بیشتری دارد و نواحی شهری بزرگ را قادر می‌سازد به رشد بیشتری دست یابند، در حالی که میانگین زمان سفرهای آونگی را نیز افزایش نمی‌دهد. به نظر می‌رسد فرایند تمرکز‌زدایی نواحی کلان‌شهری ادامه یابد، هم به‌خاطر نیروهای اقتصاد جهانی که به پراکنش و تمرکز‌زدایی دامن می‌زنند و هم به خاطر ظهور آنچه که مانوئل کاستلز آن را شهر اطلاعاتی^۲ می‌نامد. این وضعیت، نوعی پراکنش فضایی و تجدید ساختار فعالیت‌های شهری است که حاصل ظرفیت در حال افزایش کلان‌شهرها برای جایگزین ساختن انتقال اطلاعات^۳ با حمل و نقل کالا و خدمات^۴ است.

آن‌گونه که روندهای موجود نشان می‌دهد، نیروهای سراسام‌آور تمرکز‌زدایی کلان‌شهری که عمدتاً با عوامل فناوری، اقتصادی و اجتماعی بلندمدت جهانی مرتبط‌اند، ممکن است فراتر از کنترل سیاست‌گذاری‌های عمومی منطقه‌ای و حتی ملی باشند. اگرچه این فرایند نمی‌تواند مانع سیاست‌گذاری‌های موافق برای دوام و پویایی شهرهای مرکزی گردد، اما به نظر می‌رسد در مناطق کلان‌شهری دارای اقتصاد پیشرفته، الگوهای سکونتگاهی نواحی کلان‌شهری بسیار غیرمتمرکز و چندهسته‌ای خواهد بود.^۵

در اوایل دهه ۷۰ این موضوع آشکار شد که روند تمرکز در کشورهای صنعتی رو به کاهش بوده و تمرکز‌زدایی جمعیتی و اقتصادی به صورت حرکت از مراکز مناطق کلان‌شهری به پیرامون و همچنین شهرهای متوسط و کوچک آغاز شده است (Illeris, 1987, 19). این موضوع در کشورهای در حال توسعه نیز مصدق داشته است، به‌گونه‌ای که مطالعات در کشورهای امریکای لاتین حاکی از افزایش سهم جمعیتی شهرهای متوسط نسبت به سهم جمعیتی کلان‌شهرها در این کشورها و کاهش پدیده نخست‌شهری در پایان دهه ۸۰ بوده است.

ریچاردسون این گرایش را تحت عنوان مفهوم «برگشت تمرکز»^۶ تبیین می‌کند. به اعتقاد وی، در این فرایند شهرهای ثانویه در یک منطقه در مقایسه با شهر اصلی به رشد سریع‌تری دست می‌یابند. به عبارت دیگر، در روند جدید گسترش کلان‌شهری، اکثریت رشد به تعدادی از شهرها و شهرک‌ها در داخل یک منطقه کلان‌شهری وسیع‌تر اما در فاصله‌های متفاوت از مرکز شهر اصلی انتقال یافته است. این روند رفتارهای فرایند عدم تمرکز متمرکز می‌انجامد (Aguilar, 1999, 392).

گیلبرت و گاکلر نیز خمن پذیرش این استدلال، معتقدند که الگوی رایج و دامنه رشد کلان‌شهری در کشورهای جهان سوم به شهرهای نزدیک و پیرامونی کلان‌شهرها کشیده شده است. به عنوان مثال، در دهه ۱۹۷۰ در ایالت

1. Polycentric Metropolitan Structure

2. Informational City

3. Communication of Information

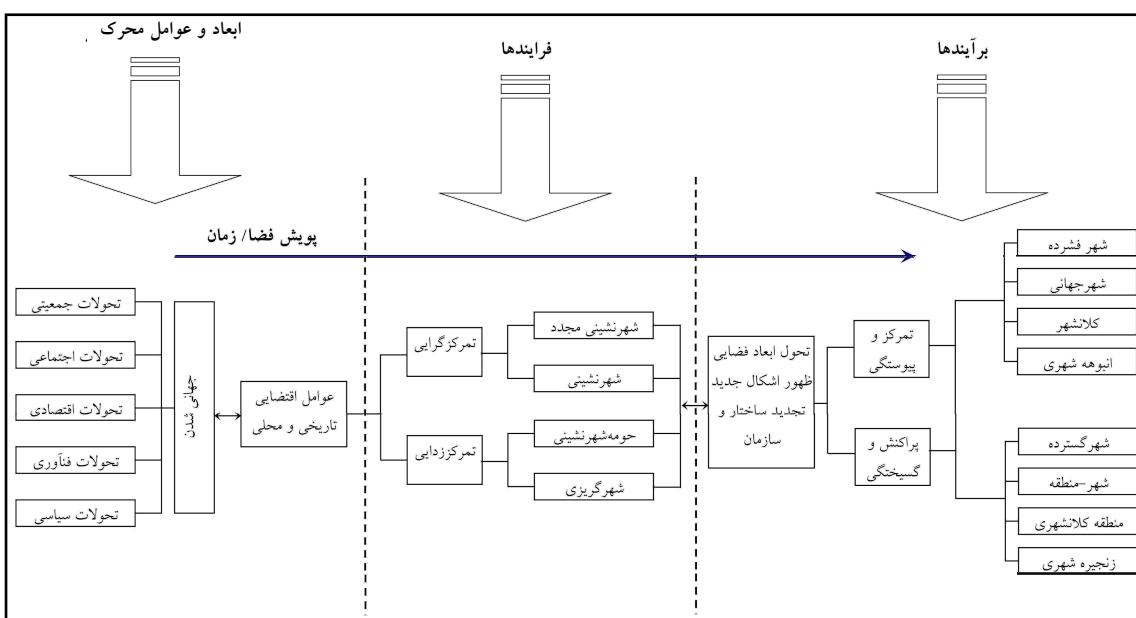
4. Transportation of Goods and Services

۵. برای اطلاعات تفصیلی‌تر در این خصوص ن.ک. زبردست، ۱۳۸۴ صص ۹۳-۹۵

6. Polarization Reversal

سائوپاولو، ۱۰ شهر در شاعع ۱۵۰ کیلومتری کلان شهر توانستند شرکت‌های صنعتی را به خود جذب کنند و با سرعت رشد یابند. درواقع، میزان رشد جمعیت در مناطق شهری خارج از منطقه کلان شهر، از سائوپاولو بزرگ بیشتر بود. این نوع تمکرکزدایی از مدت‌ها پیش در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته آغاز گردیده و اکنون سال‌هاست که در پاره‌ای از کشورهای امریکای لاتین جریان دارد (گیلبرت و گاکلر، ۱۳۷۵، ۹۴-۹۵).

شکل ۲، ابعاد و عوامل محرک در فرایند شکل‌گیری و تحول ابعاد فضایی الگوهای اسکان را به‌طور عام و مناطق کلان شهری را به‌طور خاص جمع‌بندی کرده است.



شکل ۲. ابعاد، فرایندها و برآیندها در روند شکل‌گیری و دگرگونی ابعاد فضایی الگوهای اسکان

منبع: نگارندگان

بحث و نتیجه‌گیری

حجم، تنوع و سرعت تغییرات ناشی از وقوع انقلاب صنعتی، چنان دگرگونی‌هایی را در ساختار و سازمان شهری پدید آورد که نقش، ماهیت و جایگاه شهرها – به مثابه نوع برتر اسکان – دگرگون شد. انقلاب صنعتی به همراه تولید انبوه و متکرکز از یکسو، و گسترش و تسهیل شیوه‌های ارتباطی شهر با حوزه پیرامونی خود، به تدریج سازمان و ساختار فضایی جدیدی را شکل داد، که آشکارترین و برجسته‌ترین وجه آن گسترش شهر و رشد کمی آن بود. از یکسو، افزایش سریع تولیدات صنعتی و خدمات تولیدی و اجتماعی بنابر صرفه‌های ناشی از مقیاس و تجمع و ضرورت‌های مدیریت متکرکز، به رشد شتابان شهرنشینی انجامید و از دیگر سو، با اتکا به شبکه شهری جهانی و تجارت بین‌الملل، برخی شهرها دارای نقش و عملکردی جهانی شدند و به ابعاد میلیونی دست یافتند.

اشیاع و گرانی زمین و ساختمان به خاطر شدت تقاضا برای فضا در مراکز شهری شهرهای بزرگ، و همزمان دسترسی به مناطق و نواحی دوردست‌تر در پی بهبود شیوه‌های حمل و نقل، به رانش و بروون فکنی جمعیت و فعالیت‌های تولیدی زمین‌بر از نواحی مرکزی شهر به پیرامون و هاله شهری انجامید. پویش حومه شهرنشینی و تمرکز‌زدایی جمعیت و فعالیت از کلان‌شهرها، به شکل‌گیری و رشد همیسته سکونتگاه‌های متعددی در حوزه پیرامونی شهرهای بزرگ منجر شد و ارتباط و پیوند فضایی عملکردی این سکونتگاه‌ها با کلان‌شهر مرکزی موجب شکل‌گیری مناطق کلان‌شهری با ابعاد پیچیده فضایی گردید.

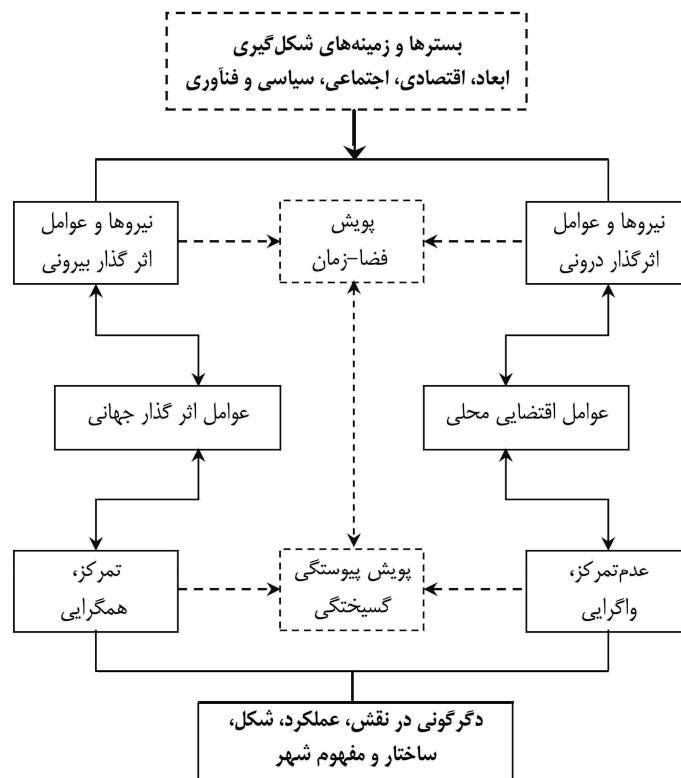
درواقع پدیده منطقه کلان‌شهری، برآیندی است از مجموعه فرایندهایی که در روند تحول و تکوین کلان‌شهر به منطقه کلان‌شهری رخ داده است. این کلان‌شهرها در مقطعی از فرایند توسعه و تمرکز خود، در پی افزایش هزینه‌های ناشی از انبوهی و تجمع، به پالایش عملکردی پرداختند و بخشی از عملکردها (فعالیت‌ها) و به همراه آن جمعیت را در فضاهای پیرامونی شان پراکنند. بدین ترتیب پسکرانه‌های وسیعی از جاذبه و نفوذ در هاله پیرامونی کلان‌شهرهای مذکور به وجود آمد، تا جایی که پویش جست‌وجوی فضا برای اشتغال و اسکان را می‌توان مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری مناطق کلان‌شهری قلمداد کرد.

نتیجه آنکه براساس روند شکل‌گیری و تکوین ساختار و سازمان فضایی کلان‌شهرها در دوره کنونی، می‌توان چنین استدلال کرد که توسعه شهرها و مناطق کلان‌شهری آینده از مفهوم و منطق مشخصی تبعیت می‌کند که می‌توان آن را تمرکز غیرمتمرکز^۱ نامید. پدیده مذکور به اشکال مختلفی از شهر چند هسته‌ای یا چند هسته‌ای بروز و ظهور پیدا خواهد کرد. دو گرایش تمرکزگرایی و تمرکز‌زدایی، به پویشی در سازماندهی فضایی کلان‌شهرها و مناطق کلان‌شهری منجر گردیده است که می‌توان آن را پویش همزمان پیوستگی و گسیختگی نام نهاد. در فرایند تمرکزگرایی، اساساً عملکردها و خدمات سطح برتر و جهانی در شهر مرکزی و هسته‌ها و مراکز اقتصادی شهر (CBD) متمرکز خواهند شد و به دنبال خود، هم‌گرایی جمعیت و فعالیت را به همراه خواهند داشت. در مقابل، طی یک فرایند تمرکز‌زدایی، بخشی از فعالیت‌ها و خدمات به مراکز دیگر شهری در یک منطقه کلان‌شهری منتقل خواهند شد که موجب تقویت روند واگرایی، پراکنده‌رویی^۲ و تفرق جمعیت و فعالیت‌های وابسته به آن می‌گردد.

شکل ۳ با جمع‌بندی آنچه گفته شد، چارچوبی را برای بررسی فرایند شکل‌گیری مناطق کلان‌شهری ارائه کرده است. براساس این چارچوب، فرایند شکل‌گیری مناطق کلان‌شهری، برآیند عمل دو دسته از نیروهای مرکزگرای و نیروهای مرکزگریز است. گروه اول به پویش پیوستگی، تمرکز و هم‌گرایی جمعیت و فعالیت می‌انجامد و گروه دوم منجر به گسیختگی، عدم تمرکز و واگرایی جمعیت و فعالیت در گستره منطقه کلان‌شهری می‌شود.

1. De-concentrated Concentration

2. Sprawl: گسترش شهری، خوش شهری، رشد خزنده شهری و گسترش افقی از دیگر برای‌نهادهایی است که در زبان فارسی برای این مفهوم به کار گرفته شده است.



شکل ۳. چارچوب مفهومی عام در تبیین فرایند شکل‌گیری، تکوین و دگرگونی مناطق کلان شهری

منبع: نگارندگان

منابع

- Adell, G., 1999, **Theories and Models of the Peri-Urban Interface: A Changing Conceptual Landscape**, Available online at: <http://www.ucl.ac.uk/dpu/pui>.
- Anas, A.R. Arnott and K.A. Small., 1998, **Urban Spatial Structure**, Journal of Economic Literature, XXXVI, pp. 1426-1464.
- Audirac, I., 2004, **Information Technology and Urban Form: Challenges to Smart Growth**, International Regional Science Review, Vol. 28, No. 2, 119-145.
- Azimi, N., 2002, **The Dynamics of Urbanization and Urban System in Iran**, Nika Pub., Mashhad (In Persian).
- Bourdeau-Lepage, L. and Huriot, J.M., 2004, **The Metropolis in Retrospect: Performance and Change**, GaWC Research Bulletin, No. 140, Available online at: www.lboro.ac.uk/gawc/rb/rb140.html.
- Bourne, L.S., 1999, **Alternative Models for Managing Metropolitan Regions: The Challenge for North American Cities**, Paper presented to the International Forum on Metropolization, Bolivia: Santa Cruz, Available online at: http://www.urbaninternational.utoronto.ca/pdf/metro_bourne.pdf

- Brenner, N., 2002, **Decoding the Newest Metropolitan Regionalism In the USA: A Critical Overview**, Cities, Vol. 19, No. 1, 3-15.
- Brenner, N., 2003, **Metropolitan Institutional Reform and the Rescaling of State Space in Contemporary Western Europe**, European urban and regional studies, 10 (4), 297-324.
- Clark, D., 2003, **Urban World/Global City**, Second Edition, Routledge.
- Elliott, J.R. and Perry, M.J., 1996, **Metropolitaniizing Non-metro Space: Population Redistribution and Emergent Metropolitan Areas**, 1965-90.
- Fallahian, N., 2005, **Analyzing the Role of Industrialization in Spatial Formation of Tehran Metropolitan Areas**, Unpublished Ph.D. Dissertation in Urban Geography, School of Geography, University of Tehran (In Persian).
- Fishman, R., 2003, **Beyond Suburbia: The Rise of the Technoburb**, in Legates, Richard.T and Stout, Fredric (Eds.), the City Reader, London, Routledge, Third Edition.
- Gaussier, N. et al., 2003, **Metropolization and Territorial Scales**, Cities, Vol. 20.4, 253-263.
- Gilbert, A. and J. Cugler, 1996, **Urbanization in Third World**, Translated by Parviz Naseri Karimi, Municipality of Tehran Pub., Tehran.
- Hall, P., 1998, **Globalization and the World Cities in: Lo, Fu-chen and Yeung, Yue-man**, Globalization and the World of Large Cities, UNU Press.
- Illeris, S., 1987, **The Metropolis, the Periphery and the Third Wave**, Town Planning Review Vol. 58(1), 203-216
- Knox, P. & Pinch, S., 2004, **Urban Social Geography**, Blackwell, London.
- Kunzmann, K. R., 1998, **World City Region in Europe: Structural Change and Future Challenges in: Lo, Fu-chen and Yeung, Yue-man, 1998**, Globalization and the World of Large Cities, UNU Press.
- McGee, T., 1998, **Globalization and Rural-Urban Relations in the Developing World in: Lo, Fu-chen and Yeung, Yue-man, 1998**, Globalization and the World of Large Cities, UNU Press.
- Miller, D. Y., 2002, **The Regional Governing of Metropolitan America**, west view press.
- Montgomery, M.R. et al. (ed), 2003, **Cities Transformed: Demographic Change and Its Implications in the Developing World**, National Academies Press.
- Pacione, M., 2002, **Urban Geography, a Global Perspective**, Routledge London
- Pacione, M., 2005, **Urban Geography, a Global Perspective**, Routledge London, Second Edition.
- Pacione, M. (ed), 1999, **Applied Geography: Principles and Practice**, First Published, Routledg, London.
- Pryor, R. J., 1968, **Defining the Rural-Urban Fringe**, Social Forces, Vol. 47, No. 2.
- Rothblatt, D.N., 1999, **North American Metropolitan Planning Reexamined**, www.igs.berkeley.edu/publications/workingpapers/99-2.pdf
- Saeednia, A., 1998, **The Incompatible Structure of Tehran, Architecture and Urban Planning**, No. 36-37, pp. 40-42 (In Persian).
- Sarrafi, M., 1998, **Decentralization in Metropolitan Areas of Developing Countries; Beliefs and Strategies**, Architecture and Urban Planning, No. 48-49, pp. 34-45 (In Persian).

- Sarrafi, M., 1999, **A Need for Revising the Management System of Metropolitan Areas in Iran Using Global Experience**, Abadi, No. 32, pp. 41-50 (In Persian).
- Savitch, H. and Vogel, K., 2000, **Paths to New Regionalism (Symposium Editors)**, State and Local Government Review, Vol. 32, N0. 3, 158-168.
- Seifoddini, F., 1999, **A Dictionary of Urban and Regional Planning**, Aeezh Pub., Shiraz (In Persian).
- Shakouei, H., 2000, **New Thoughts in Urban Geography**, Samt Pub., Fourth Edition, Tehran (In Persian).
- Sykora, L., 1995, **Metropolises in Transition, Metropolises in Competition: Globalization of Central European Cities and Their Integration into European Urban Network**, in European Conference Proceedings, Urban Utopias: New Tools for the Renaissance of the City in Europe.
- Zebardast, E., 2005, **Management System of Metropolitan Areas**, Center for Urban Planning and Architecture Research, Tehran (In Persian).